

تعریف سازمان ملل متحد از پدیده تروریسم؛ مروری بر اسناد مصوب و دیدگاه‌های صاحب نظران

دکتر مجید بزرگمهری*

چکیده

سازمان ملل متحد به عنوان یک بازیگر جهانی نقش موثری در شکل‌گیری سیاست خارجی دول عضو و دیپلماسی سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای داشته و دارد، لذا شناخت مواضع، عملکرد و روش‌های مبارزه این نهاد جهانی با پدیده تروریسم برای شناخت جو غالب در جامعه بین‌الملل مفید است.

مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر در تدوین تعریف تروریسم دو گرایش عمده در نظرات رسمی و غیررسمی کشورهای عضو این سازمان مشاهده می‌شود. یک گرایش که گرایش غالب نیز به شمار می‌آید و عمدتاً از سوی کشورهای غربی عضو ملل متحد تعقیب می‌شود تلاش دارد هر نوع تحرک خشونت‌آمیز علیه نظام‌های سیاسی و قدرت‌های حاکم در سرزمین‌های مختلف در جهان امروز را بدون توجه به علل، انگیزه‌ها، مبانی اعتقادی و ریشه‌های آن، محکوم سازد و همه را مصداق فعالیت تروریستی تلقی کند. در حالی که گرایش دوم می‌کوشد مبارزات جنبش‌های استقلال‌طلبانه، مبارزه با اشغالگری و تبعیض نژادی را از تحرکات تروریستی متمایز سازد. این گرایش عمدتاً از سوی کشورهای جنوب و به خصوص اعضای سازمان کنفرانس اسلامی دنبال می‌شود.

کلید واژه‌ها

تروریسم، سازمان ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامی، جنگ سرد، مبارزه مسلحانه، تحرکات خشونت‌آمیز، جنبش‌های آزادی‌بخش

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد زنجان mjbozorgmehr@yahoo.com

مقدمه

یکی از مسائل حساس جامعه بین‌المللی در عصر امروز، پدیده تروریسم و آثار آن در تحولات روابط بین‌الملل است. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، شرایطی را مهیا ساخت که بحث تروریسم و مبارزه با آن از سطح ملی و داخلی کشورها خارج شد و بعدی فراگیر و بین‌المللی یافت.

ایالات متحده آمریکا در پناه شعار و مبارزه با تروریسم، دو کشور افغانستان و عراق را در سال‌های نخستین قرن ۲۱ اشغال کرد و همه روزه شاهد تاثیر بیشتر این پدیده در مسائل جامعه جهانی به ویژه خاورمیانه هستیم.

سازمان ملل متحد به رغم کاستی‌های که از آن رنج می‌برد به عنوان یک بازیگر جهانی نقش موثری در شکل‌گیری سیاست خارجی دول عضو و دیپلماسی سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای دارد، لذا شناخت مواضع و روش‌های مبارزه آن با تروریسم برای شناخت جو غالب در جامعه جهانی مفید است.

از سوی دیگر شکل‌گیری عرفی و رسمی بسیاری از مقررات حقوق بین‌الملل از مبداء کنوانسیون‌ها، پروتکل‌ها و مواضع رسمی سازمان ملل متحد آغاز می‌شود، لذا این مطالعه می‌تواند کمک موثری به شناخت بیشتر تحولات جدید حقوق بین‌الملل به ویژه مباحث حقوق بین‌الملل بشر دوستانه کند.

نوشتار حاضر می‌کوشد به تعریف سازمان ملل متحد به عنوان یک بازیگر مهم جهانی از پدیده تروریسم به پردازد. در تدوین تعریف تروریسم دو گرایش عمده در نظرات رسمی و غیررسمی کشورهای عضو نظام ملل متحد مشاهده می‌شود. یک گرایش می‌کوشد هر نوع تحرک خشونت‌آمیز علیه نظام‌های سیاسی و قدرت‌های حاکم در سرزمین‌های مختلف در جهان امروز را بدون توجه به علل، انگیزه‌ها، مبانی اعتقادی و ریشه‌های آن، محکوم سازد و همه را مصداق فعالیت تروریستی تلقی کند. این گرایش عمدتاً از سوی کشورهای غربی عضو ملل متحد تعقیب می‌شود. گرایش دوم می‌کوشد مبارزات جنبش‌های استقلال‌طلبانه، مبارزه با اشغالگری و تبعیض نژادی را از تحرکات تروریستی متمایز سازد. این گرایش عمدتاً از سوی کشورهای جنوب و خصوصاً کشورهای اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی دنبال می‌شود.

در تدوین نوشتار حاضر، ضمن استفاده از دیدگاه‌های صاحب‌نظران برجسته مسائل سازمان‌ملل، تکیه اصلی بر اسناد مصوب ارکان این مهم سازمان شامل مجمع عمومی، شورای امنیت و مواضع دبیر کل و مواضع برخی از سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان کنفرانس اسلامی بوده است تا ارزیابی دقیق‌تری از مباحث ارائه شود.

در ابتدای این نوشتار اهمیت بحث تروریسم به عنوان ناقض صلح و امنیت بین‌المللی ارزیابی می‌شود. سپس با ورود به بحث تعریف تروریسم در ادبیات سازمان ملل ابعاد موضوع و نظرات متنوع مورد بحث قرار می‌گیرد.

گفتار اول: چرا پدیده تروریسم برای نظام ملل متحد مهم است؟

تروریسم پدیده جدیدی در عصر معاصر نیست و از دیر باز خطری برای تمدن‌ها، دولت‌ها و حیات جوامع بشری در قالب اشکال متنوع در اماکن و زمان‌های مختلف بوده است.

در یک نگاه تاریخی، اغلب دول در گذشته موضوع تروریسم را به صورت یک موضوع ملی و بومی ارزیابی می‌کردند و احتمالاً به علت مسائل امنیتی تمایل کمتری به طرح آن در سطح بین‌المللی و سازمان‌های بزرگ جهانی مانند ملل متحد داشتند، اما شرایط جدید در عصر امروز، موضوع تروریسم را به یک پدیده بین‌المللی و فرامرزی تبدیل کرده است (Luck, 2003 : 1).

با عنایت به این‌که گروه‌های تروریستی از طریق قاچاق اسلحه، پول‌شویی، استفاده از مقررات پناهندگی و جهانگردی و به کارگیری فن‌آوری اطلاعات، دامنه فعالیت‌های خود را در سطحی بین‌المللی گسترش داده‌اند، لذا مبارزه با آن نیز بعد بین‌المللی پیدا کرده است (Ibid, 2).

جدول آمار حوادث تروریستی در حد فاصل سال‌های ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۳ میلادی گویای اهمیت این موضوع است (U.S. Pattern of Global, 2003).

با عنایت به اینکه مقوله تروریسم صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره انداخته است، سازمان ملل متحد توجه ویژه‌ای را به مسائل این پدیده معطوف داشته است. در قریب به اتفاق اسناد سازمان ملل متحد، اعم از کنوانسیون‌ها و اعلام مواضع که مرتبط با موضوع تروریسم است، صراحتاً از مقوله تروریسم به عنوان خطر جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی یاد شده

تعریف سازمان ملل متحد از پدیده تروریسم؛ مروری بر اسناد ...

است. کنوانسیون بین‌المللی مقابله با فعالیت‌های تروریستی هسته‌ای مصوب سپتامبر ۲۰۰۵ میلادی تاکید بیشتری بر این امر دارد و به ضرورت افزایش همکاری‌های بین‌المللی میان دولت‌ها برای اتخاذ تدابیری جدی جهت جلوگیری از مخاطرات پدیده تروریسم اشاره اساسی داشته است (International Convention. U.N, 2005).

جدول شماره (۱) - آمار حوادث تروریستی.

تعداد	سال	تعداد	سال	تعداد	سال
۳۶۳	۱۹۹۲	۴۹۹	۱۹۸۰	۱۷۰	۱۶۶۸
۴۳۱	۱۹۹۳	۴۸۹	۱۹۸۱	۱۹۰	۱۹۶۹
۳۲۲	۱۹۹۴	۴۸۷	۱۹۸۲	۳۰۰	۱۹۷۰
۴۴۰	۱۹۹۵	۴۹۷	۱۹۸۳	۲۵۰	۱۹۷۱
۲۹۶	۱۹۹۶	۵۶۵	۱۹۸۴	۵۲۵	۱۹۷۲
۳۰۴	۱۹۹۷	۶۳۵	۱۹۸۵	۳۲۵	۱۹۷۳
۲۷۴	۱۹۹۸	۶۱۲	۱۹۸۶	۴۲۵	۱۹۷۴
۳۹۵	۱۹۹۹	۶۶۵	۱۹۸۷	۳۶۰	۱۹۷۵
۴۲۶	۲۰۰۰	۶۰۵	۱۹۸۸	۴۵۷	۱۹۷۶
۳۴۸	۲۰۰۱	۳۷۵	۱۹۸۹	۴۱۹	۱۹۷۷
۱۹۹	۲۰۰۲	۴۳۷	۱۹۹۰	۵۳۰	۱۹۷۸
۲۰۸	۲۰۰۳	۵۶۵	۱۹۹۱	۴۳۴	۱۹۷۹
ثبت نشده است	۲۰۰۴				

گفتار دوم: تاریخچه اقدامات سازمان ملل

کاربرد واژه ترور به معنای ایجاد وحشت عمومی به دوران انقلاب کبیر فرانسه و رژیم ترور ژاکوبین‌ها در جمهوری اول (۳-۱۷۹۲) باز می‌گردد (Pokempner, 2002). ولی در ادبیات سازمان‌های بین‌المللی این واژه نخستین بار در ماده اول کنوانسیون جلوگیری و مجازات تروریسم مصوب جامعه ملل در ۱۹۳۷ به کار گرفته شد که در ماده مذکور تروریسم به‌عنوان فعالیت‌های جنایی و بزهکارانه که علیه یک دولت صورت می‌گیرد و

در صدد ایجاد وحشت در عامه مردم، اشخاص خاص و یا گروه خاص از مردم است تعریف شده است (League of Nations, Doc. C. 546. M. 383).

البته این کنوانسیون به علت مشکلات خاص بین‌المللی دهه ۳۰ و عدم حمایت دولت‌های وقت هیچ‌گاه جنبه اجرایی نیافت (Koechler, 2002) و فقط دولت تحت‌الحمایه هندوستان در ژانویه ۱۹۴۱ آن را تصویب کرد (Verma, 2000).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای اولین بار موضوع تروریسم را به صورت یک موضوع مستقل در سپتامبر ۱۹۷۲ میلادی، بر پایه ابتکار دبیر کل وقت، کورت والدهایم، به دنبال حوادث فرودگاه لاد در اسرائیل و گروه‌انگیزی ورزشکاران اسرائیلی در بازی‌های تابستانی المپیک مونیخ (۱۹۷۲) مورد توجه قرار داد (Peterson, 2004 : 179).

در بیانیه والدهایم آمده بود: «اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از تروریسم و سایر اشکال خشونت که جان انسان‌ها را می‌گیرد و یا به مخاطره می‌اندازد و یا اینکه آزادی‌های اساسی را به خطر افکند و اقدام برای مطالعه و بررسی علل مهم این نوع از اشکال تروریسم و اعمال خشونت بار که در پدیده‌های فقر، سرخوردگی، ظلم و ناامیدی ریشه‌دار و باعث می‌شود عده‌ای از انسان‌ها با قربانی کردن جان سایر انسان‌ها از جمله خود، تلاشی برای ایجاد تغییرات ریشه‌ای به عمل آورند (Koechler, 2002).

البته والدهایم قسمت دوم این بیانیه را که به موضوع انجام مطالعه در زمینه علل ریشه‌ای تروریسم می‌پرداخت تحت فشار ائتلافی از سوی کشورهای جهان سوم و بلوک شرق به سرکردگی اتحاد جماهیر شوروی سابق و چین در بیانیه گنجانید. در آن ایام، ائتلاف مذکور در سازمان ملل اعلام داشت، در هر گونه محکومیت تروریسم باید موضوع حقوق حقه جنبش‌های آزادی‌خواهی ملی، مبارزه ملل با رژیم‌های نژاد پرست و استعماری و اشغالگر مورد توجه و استثناء قرار گیرد. از نظر ائتلاف برای پایان دادن به تروریسم می‌بایست ریشه‌های آن که از جمله آن، اشکال نامشروع سلطه است از بین برود.

والدهایم ابتدا پیشنهاد تاسیس یک کمیته ویژه برای شناسایی و مجازات عوامل تروریستی را به تصویب رساند و به علت فشار ائتلاف مذکور، دو وظیفه را براساس قطعنامه ۳۰۳۴ برای کمیته پیش‌بینی کرد:

۱- بررسی اقدامات سیاسی برای مبارزه با تروریسم؛

۲- انجام مطالعات لازم برای شناسایی علل ظهور تروریسم.

این کمیته تا ۱۹۷۷ فعالیت خود را ادامه داد و در هر یک از گزارش‌های سالانه در سال‌های ۱۹۷۳، ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ میلادی مقوله استثناء بودن جنبش‌های آزادی‌خواهی ملی از فعالیت‌های تروریستی را مورد توجه قرار داد. گزارش‌های کمیته اگر چه به تصویب می‌رسید ولی اغلب با رای ممتنع دول غربی روبرو بود. فقط گزارش سال ۱۹۷۷ بود که هم کشورهای جهان سوم در مواضع خود تعدیل کردند و اجازه دادند تا موضوع محکومیت تروریسم در تمامی اشکالش بدون توجه به توجیهات سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیکی و نژادی- قومی در گزارش درج شود و هم تعداد آرا ممتنع بسیاری از دول غربی کاهش یافت (Peterson, 2004 : 179). کمیته مذکور در ۱۹۷۷ میلادی منحل شد (Haffrey, 1998 : 1).

در دهه هشتاد قرن بیستم که جنگ سرد تشدید گردید، اتحاد جماهیر شوروی و تعدادی از کشورهای چپ افراطی جهان سوم مانند کوبا و یوگسلاوی اساساً موضوع جدیدی تحت عنوان تروریسم دولتی را با خطاب قرار دادن سیاست‌های آمریکا و اسرائیل و آفریقای جنوبی مطرح ساختند. البته در این مرحله مجموعه کشورهای نم^۱ هم‌صدا با شوروی نشدند تا اینکه دولت ریگان مداخلاتی را در آمریکای مرکزی (وقایع پاناما) به انجام رساند و شوروی توانست حمایت لازم را از طرح محکومیت تروریستی دولتی کسب کند.

با به پایان رسیدن جنگ سرد در دهه ۹۰ از قرن بیستم، ایالات متحده آمریکا کوشید به جای حذف عبارت «تروریسم دولتی» با طرح عبارت جدید «تروریسم تحت نظارت دولت‌ها» در ادبیات سازمان ملل، مخاطب جدیدی را برای این عبارت شامل کشورهای مخالف سیاست آمریکا مانند کوبا، عراق (رژیم بعثی) و لیبی معرفی کند (Peterson, 2004: 180).

گفتار سوم: مشکل ارائه تعریف جامع از تروریسم در ادبیات سازمان ملل

از واژه تروریسم در فرهنگ‌ها و دائرةالمعارف‌های مختلف تعاریف کم و بیش مختلفی ارائه شده است. فرهنگ لغت آکسفورد آنرا تلاش برای ضربه زدن به افراد خاص و یا ایجاد ارعاب و وحشت دانسته است. فرهنگ جدید بین‌المللی وبستر آن را ایجاد وحشت و یا

وضعیت وحشت، و هم‌چنین آن را اعمال حاکمیت و یا مبارزه با حاکمیت از طریق ارباب می‌داند (<http://en.wikipedia>).

فرهنگ هریتیج آمریکایی آن را کاربرد قوا به صورت غیر قانونی و خطر آفرین و خشونت بار می‌داند که از سوی یک فرد و یا یک گروه سازمان‌یافته علیه مردم و یا اماکن به قصد ایجاد ارباب و یا اجبار دولت‌ها و یا شرکت‌ها صورت می‌گیرد و عمدتاً دارای اهداف سیاسی و ایدئولوژیکی می‌باشد (The American Heritage Dictionary, 2000).

ای، پی، اشمید^۱، کارشناس مسائل تروریسم که همکاری نزدیکی با سازمان ملل دارد، تروریسم را یک رفتار مضطربانه خشونت‌بار می‌داند که از سوی عوامل فردی، گروهی و یا دولتی به صورت مخفی یا نیمه مخفی با انگیزه‌های سیاسی جنایی و یا عقاید خاص صورت می‌گیرد و در آن‌ها برخلاف جنایات عادی، قربانیان اولیه، افراد اصلی مورد نظر نیستند بلکه به صورت اتفاقی و رندم و یا انتخاب نمونه از جمعیت انسانی، گزینش می‌شوند تا مرگ و یا مجروح شدن آن‌ها، پیامی را به طرف خصم منتقل کند (Terrorism, UN Office on Drugs, 2006).

اس، کا، ورما معتقد است که واژه تروریسم از کلمه لاتین ترور مشتق شده و به معنای حالت وحشت و تسلیم شده در قبال آن است. از نظر وی هیچ مدل واحدی برای فعالیت‌های تروریستی نمی‌توان لحاظ کرد چون دامنه روش‌های خطرآفرین و کشتار در عصر امروز می‌تواند بسیار متنوع باشد ولی در شرایطی که یک اقدام تروریستی به نحوی از انحاء حداقل دو نظام سیاسی را تحت تاثیر قرار داد به تروریسم بین‌المللی تعبیر می‌شود (Verma, 2000 : 342).

البته در اسناد مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، شاهد تعاریفی از تروریسم و مصادیق آن هستیم. به‌طور مثال در ماده ۵ «کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب‌گذاری‌های تروریستی» مصوب ۱۹۹۸، فعالیت‌های تروریستی را اقدامات جنایی که قصد آن‌ها ایجاد وحشت در عموم مردم و یا گروه خاص است می‌داند و اعلام می‌کند که این دسته اعمال تحت هیچ شرایطی

تعریف سازمان ملل متحد از پدیده تروریسم؛ مروری بر اسناد ...

حتی ملاحظات سیاسی، قومی - نژادی، مذهبی، فلسفی، ایدئولوژیکی، سیاسی و یا موارد مشابه قابل توجه نیست (Convention, 1998 International).

یا در قطعنامه مجمع عمومی شماره ۵۴/۱۱۰ مصوب ۲ فوریه ۲۰۰۰ در پاراگراف دوم، تروریسم به عنوان اقدامات جنایی که به قصد ایجاد وحشت در عموم مردم و یا گروه خاصی از آن‌ها با اغراض سیاسی صورت می‌گیرد، تعریف شده است (Koechler, 2002).

ماده دو کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب‌گذاری‌های تروریستی، نیویورک، ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸، جرم تروریستی و عامل آن را تعریف می‌کند و اعلام می‌دارد فردی که به‌طور عامدانه و غیرقانونی یک ماده و یا تله مهلک انفجاری را در اماکن عمومی، امکانات دولتی و یا سیستم حمل و نقل عمومی و یا امکانات زیر بنایی دولت (مانند نیروگاه‌ها، سدها و غیره) جاسازی و یا به کار اندازد مرتکب جرم تروریستی شده است، البته مفروض بر اینکه، قصد وی کشتار و یا مجروح ساختن مردم باشد و یا بخواهد در اماکن عمومی تخریب وسیع ایجاد کند. در همین ماده افرادی که مشارکت و یا همدستی در این اعمال داشته باشند و یا افرادی که نقش هدایت و سازماندهی این نوع عملیات را بر عهده داشته باشند به‌عنوان مجرم تروریستی تلقی می‌شوند ("International Convention... Bombings", 1998).

ماده دو کنوانسیون بین‌المللی مقابله با اقدامات تروریستی هسته‌ای، مصوب ۲۰۰۵ فرد و یا گروه مجرم را تعریف می‌کند و عامل حمله تروریستی هسته‌ای را کسی یا گروهی می‌داند که عمدتاً و به‌صورت غیر قانونی دارای مواد رادیواکتیو و یا هسته‌ای بوده و یا در حالت تولید آن‌ها باشد و قصد نهایی وی کشتار و یا صدمه زدن به افراد و اموال و محیط زیست باشد. افراد و یا گروه‌های که قصد تخریب در تأسیسات هسته‌ای کشورهای مختلف را داشته باشند تا باعث تشعشع مواد رادیواکتیو در محیط عمومی گردند، نیز به‌عنوان عاملان حملات تروریستی تلقی می‌شوند. اشخاص و گروه‌های هم‌دست و یا سازمان ده نیز به‌عنوان عاملان حمله تروریستی هسته‌ای شناخته می‌شوند ("International Convention ... Nuclear Terrorism", 2005).

شورای امنیت در ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱ میلادی نیز قطعنامه‌ای را به تصویب رساند و طی آن صراحتاً اعلام کرد تروریسم بین‌المللی یکی از خطرناک‌ترین مسائل در قبال صلح و امنیت بین‌المللی در قرن ۲۱ است و چالشی برای مجموعه دول و جامعه بشریت تلقی می‌شود.

شورای امنیت در این قطعنامه بر محکومیت بدون قید و شرط فعالیت‌های تروریستی به‌عنوان مصداق اعمال جنایی و غیر قابل توجیه و بدون توجه به انگیزه‌های آن تأکید ورزید. ولی هنوز در ادبیات سازمان ملل تعریف جامعی از واژه تروریسم و مصداق آن که مورد اتفاق نظر قریب به اتفاق کشورهای عضو ملل متحد باشد به عمل نیامده است و دولت‌های عضو نتوانسته‌اند در تعریف تروریسم و فعالیت‌های تروریستی و تروریسم بین‌المللی به اجماع برسند.

پرسش و چالش اصلی عبارت از این است که آیا فعالیت‌های جنبش‌های استقلال‌طلب، مبارزه با اشغالگران و رژیم‌های حامی تبعیض نژادی به‌عنوان مصداق فعالیت تروریستی تلقی می‌گردد یا خیر؟ (Peterson, 2004 : 180).

از نظر «مرکز مطالعات منع تکثیر تسلیحات»^۱ سه موضوع مانع از رسیدن به یک رویکرد جامع برای تعریف تروریسم و نهایتاً تدوین یک کنوانسیون جامع و فراگیر بین‌المللی است که عبارتند از:

- ۱- مشکل حصول اجماع در تعریف حقوقی تروریسم
- ۲- مشکل حل تعارض میان تروریسم و مشروعیت فعالیت‌های جنبش‌های آزادی‌خواهانه ملی، مبارزه استعماری و مبارزه با اشغالگران
- ۳- مشکل وارد شدن اقدامات قوای مسلح دولت‌ها در زمان منازعات مسلحانه در تعریف تروریسم دولتی (Center for Nonproliferation Studies, 2006).

مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه ۵۱/۲۱۰ مصوب ۱۷ دسامبر ۱۹۹۶ در پاراگراف ۹ سازمان ملل را به تأسیس یک کمیته ویژه برای تدوین یک کنوانسیون جامع بین‌المللی جهت تعریف تروریسم و تعیین دقیق مصداق آن و بالتالی مبارزه با آن مامور کرد که در زمان تأسیس آن، نخستین رئیس کمیته، روهبان پرا^۲ از سریلانکا در گزارش رسانه‌ای اعلام داشت امکان حل تعارض میان فعالیت‌های تروریستی و اقدامات جنبش‌های استقلال طلب و آزادی‌بخش برای ارائه تعریف جامع از تروریسم وجود ندارد.

1- OIC

2- Rohan Perera

تعریف سازمان ملل متحد از پدیده تروریسم؛ مروری بر اسناد ...

محقق مسائل سازمان ملل، هانس کوچلر^۱ مدعی است در دو دهه اخیر، نگرانی دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی در ارتباط با تروریستی خوانده شدن فعالیت‌های جنبش‌های آزادی‌بخش به ویژه اقدامات سازمان آزادی‌بخش فلسطین، یکی از علل عدم حصول اجماع میان دول عضو سازمان ملل برای ارائه یک تعرف جامع از تروریسم بوده است (Koechler, 2002).

سازمان کنفرانس اسلامی در هفت سندی که از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۶ میلادی به تصویب رسانده است مستمراً ضرورت استثناء نمودن فعالیت‌های جنبش استقلال طلبانه، مبارزه با اشغالگران و رژیم‌های نژادپرست را از اقدامات تروریستی یاد آور شده است. این سازمان در مقدمه سند کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی در مبارزه با تروریسم بین‌المللی مصوب جولای ۱۹۹۹ بر مشروعیت حق ملل برای مبارزه علیه اشغالگران بیگانه و استعماری و رژیم‌های نژادپرست با تمامی ابزار، شامل مبارزه مسلحانه برای آزادسازی سرزمین‌های خود و کسب حقوق در زمینه حق تعیین سرنوشت و استقلال، که منطبق با اهداف و اصول منشور و قطعنامه‌های سازمان ملل است، تاکید کرده است (Convention of the OIC., 1999).

سازمان آزادی‌بخش فلسطین از منظر رژیم اشغالگر قدس یک سازمان تروریستی ولی از منظر کشورهای اسلامی یک جنبش آزادی‌بخش ملی و استقلال طلب است. جنبش مبارزان کشمیر از نظر هندوستان یک گروه تروریستی و از زوایه دید پاکستان یک جنبش ملی است. مجاهدان افغانستان برای ایالات متحده آمریکا یک جنبش ملی و برای اتحاد جماهیر شوروی سابق یک باند گسترده تروریستی بود (Fidanci, 2006).

در قطعنامه هفتمین کنفرانس سران اسلامی، کازابلانکا، نشست «برادری و نوشکوفایی»، ۱۹۹۴ میلادی، سازمان کنفرانس اسلامی ضرورت تبیین معاییر مشخص مبتنی بر حقوق بین‌الملل را برای تمایز آشکار میان تروریسم و مبارزه ملل در آزادی‌خواهی ملی را یادآور شده است.

در این قطعنامه بر موضوع همکاری اسلامی برای اتخاذ اقدامات عملی در هر مکان جهت کشف و کنترل تروریسم تاکید شده است و به موازات آن نیز، موضوعات حق مشروع و غیر

1- Hans Koechler

قابل انکار حق تعیین سرنوشت و استقلال برای تمامی ملل که تحت سلطه رژیم‌های نژادپرست، استعماری و اشغال‌گر بیگانه هستند و مبارزه بر حق جنبش‌های آزادی‌خواهی ملی مورد تاکید قرار گرفته است.

دول عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی این قطعنامه تلاش‌های عجولانه‌ای که در صدد محو تفاوت میان تروریسم و مبارزه مشروع ملل منطبق با اصول حقوق بین‌الملل، مقررات منشورهای سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل است را محکوم کرده و به اقدام برخی از مراکز که با مقاصد سیاسی تعدادی از کشورهای اسلامی را پناهگاه تروریست‌ها خوانده‌اند، اعتراض نموده است. قطعنامه صراحتاً به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل شماره ۱۵۱۴ سال ۱۹۶۰ اشاره دارد که در تضمین حق تعیین سرنوشت و حق استقلال طلبی ملل تحت استعمار صادر شده است (Res.No.47/7-P.1994).

کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل در سخنرانی ۱ اکتبر ۲۰۰۱ میلادی خطاب به مجمع عمومی و در سخنرانی‌اش در ۱۲ نوامبر همان سال برابر شورای امنیت، راه حل پیشنهادی خود را برای تعریف جامع واژه تروریسم مطرح ساخت. وی توسل به قواعد حقوق بین‌المللی بشر دوستانه را راه حل موضوع می‌داند زیرا که در این حقوق، هدف قرار دادن شهروندان بی‌گناه و غیر مسلح حتی در شرایط منازعه مسلحانه غیر قانونی است. از نظر عنان، تحت هیچ شرایطی، حتی در جریان یک مبارزه مسلحانه استقلال طلبی، نباید به رویه‌های خشونت‌آمیز علیه شهروندان بی‌گناه و غیر مسلح متوسل شد، شهروندانی که نقش موثری در تحکیم قدرت گروه خصم ندارند.

از نظر هانس کوچلر با تاکید بر حقوق بین‌المللی بشر دوستانه و توسل به ماده سوم هریک از چهار کنوانسیون ژنو، به ویژه چهارمین کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از شهروندان غیر نظامی در شرایط جنگی (مصوب ۱۲ اگوست ۱۹۴۹) می‌توان مشکل را برطرف ساخت زیرا که بر پایه ماده مذکور، حمله به غیر نظامیان غیر موثر در تحکیم گروه خصم، محکوم شده است. همچنین براساس اصول پروتکل الحاقی شماره ۲ (مصوب، ۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های ژنو، مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه که براساس مفاد آنها، مردم غیرنظامی نباید هدف حملات قرار گیرند، خطرآفرینی خشونت‌بار با قصد گسترش وحشت میان مردم غیر

تعریف سازمان ملل متحد از پدیده تروریسم؛ مروری بر اسناد ...

نظامی ممنوع اعلام شده است، و لذا از نظر کوچلر اقدامات جنبش‌های استقلال‌طلبانه نباید در راستای حمله و کشتار مردم عادی و بی‌گناه طراحی شود (Koechler, 2002).

براساس این مدل، در هر گونه عملیات تهاجمی با ریشه دولتی و یا غیردولتی و با هر هدف، حتی مبارزه آزادی‌خواهی و یا تغییر در معادلات قدرت و حاکمیت، نباید شهروندان بی‌گناهی که نقش موثری در تحکیم قدرت طرف خصم ندارند، مورد تهاجم قرار گیرند و در غیر این صورت این اقدامات مصداق تروریسم تلقی می‌شود.

کمیته کارشناسان اجلاس سران ملل متحد در ۲۰۰۵ میلادی در بند ۸۱ بیانیه خود اعلام می‌دارد که تمام اشکال تروریسم بدون توجه به علل، انگیزه، عاملین، مکان و زمان آن محکوم است و در هیچ یک از بندهای این اعلامیه اشاره حتی تلویحی به ضرورت تفکیک مبارزات استقلال‌طلبانه، ضد اشغالگری و تبعیض نژادی به عمل نیامده است (Counter-Terrorism Strategy, 2005 World Summit).

نظریه پیشنهادی عنان و کوچلر موافق عقایدی، پی‌اشمید، متخصص مسائل تروریسم است که نام‌برده در گزارش خود به دفتر جلوگیری از جنایت در سازمان ملل، تروریسم را معادل جنایت جنگی در دوران صلح می‌داند (Ibid).

البته کوچلر در نهایت اعتراف می‌کند که به رغم پیش‌بینی معیار مذکور، هنوز به دو علت نمی‌توان مشکل پیدا کردن تعریف جامعی از تروریسم را در ادبیات سازمان ملل برای کشورهای عضو به‌طور کامل حل کرد، زیرا که اولاً مشکل اصلی دولت و مقامی است که به تفسیر و توجیه یک عملیات تهاجمی می‌پردازد. ممکن است یک دولت، یک عملیات تهاجمی را هر چند علیه شهروندان بی‌گناه صورت گیرد مصداق عملیات دفاعی و غیر قابل اجتناب بداند همان‌طور که در جنگ‌های متعارف، شهروندان عادی نیز قربانی می‌شوند و دولت دیگر آن را مصداق عملیات تروریستی.

از سوی دیگر مقوله حق و تو، در شورای امنیت باعث شده که بسیاری از موارد نقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مورد اعتراض جدی و حقوقی سازمان ملل قرار نگیرد. زیرا چنانچه عامل یک عملیات تهاجمی، یکی از دول با حق و تو و یا یکی از متحدان آن‌ها باشد، این اقدامات عملاً در نظام سازمان ملل قابل پیگیری نیستند (Ibid).

نتیجه گیری

اگرچه دیدگاه‌های کشورهای مختلف در بیانیه‌ها و سخنرانی‌های نمایندگان کشورهای مختلف در زمینه تعریف تروریسم و تمایز آن از اقدامات جنبش‌های آزادی‌بخش، مبارزه با اشغالگری و رژیم‌های نژادپرست مطرح شده است ولی در مصوبات نهایی ارکان مختلف سازمان ملل به ویژه مجمع عمومی دیدگاه کشورهای غربی مبنی بر محکومیت همه جانبه و مطلق تحرکات خشونت‌آمیز سیاسی به‌عنوان فعالیت تروریستی تاکنون نقش موثرتری در تدوین تعریف پدیده تروریسم داشته است و در اغلب کنوانسیون‌های مصوب مجمع عمومی قید عدم توجه به انگیزه‌های عاملین و محکومیت مطلق تروریسم وجه غالب را داشته است.

فهرست منابع

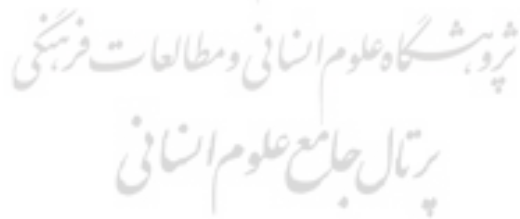
الف) منابع انگلیسی

کتاب

- Fidanci, S (2006). "Definition of Terrorism in International Law" Journal of Turkish Weekly. Ankara.
- Koechler, H (2002). "The United Nations, the International Rule of Law and Terrorism" Fourteenth Centennial Lecture. Manila. <http://www.un.org/Docs/sc/Committees/1373/>
- Luck, E (2003). "Global Terrorism and the United Nations: A Challenge in Search of a Policy." "United Nations Committee on Counter- Terrorism.
- Peterson, M.J (2004) "Using the General Assembly" pp.173-197. in. Boulden, Jane and Thomas, G. Weiss. "Terrorism and the UN" Indiana University Press. U.S.A.
- Pokempner, D (2002). "Terrorism and Human Rights: The Legal Framework" in, Meetings of Independent Expert on Terrorism and International Law: Challenges and Responses. Complementary Nature of Human Rights Law, International Humanitarian Law and Refugee Law". Sanremo (May 30-June 1).
- The American Heritage (2000). "Dictionary of the English Language" 4th ed .Houghton Mifflin Company.
- Verma, S.K (2000). "Terrorism and International Law". In Sehgal. B.P. Singh. "Global Terrorism, Socio – Politico and Legal Dimensions". Deep and Deep Publications. New Dehli.

اسناد

- Center For Nonproliferation Studies. "Draft Comprehensive Convention on International Terrorism". Inventory of International Organizations and Regimes. Last Update 2006/11/8.
- "Convention of the Organization of the Islamic Conference on Combating International Terrorism" Annex to Resolution No.59/26/P 26th Islamic Conference of Foreign Ministers July-1999
- Counter-Terrorism Strategy. Excerpts from the 2005 World Summit out Com Document
- "International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism" U.N. New York. September 14, 2005.
- Resolution No.43/7 (IS) On the Preparation of a Code of Conduct for Combating International Terrorism. The Seventh Islamic Conference. Casablanca. Kingdom of Morocco. (December 13-15, 1994)
- "Terrorism," UN Office on Drugs and Crime. September 11, 2006. UNODC. 2006.
- U.S. State Department. "Patterns of Global Terrorism" Washington



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

